چگونه از خانه‌تکانی فرار کنیم؟!

ویژه‌نامه آخر هفته روزنامه جام جم

#خونه‌تکونی

دستورالعمل امیرعلی نبویان برای فرار از خانه‌تکانی

در ستایش دست و پا چلفتی بودن



امیرعلی نبویان

امسال هم متاسفانه مثل پارسال بعضی از سنت‌های نوروزی را نداریم. سنت‌هایی که همیشه برایمان مهم بوده‌اند. نوروز برای من، به خصوص وقتی به دوران کودکی‌ام نگاه می‌کنم، پر از اتفاق‌های رنگارنگ و عجیب و غریب مختلف است. شاید در بعضی مناطق بعضی از این رسم‌ها نباشند اما دست کم در شهر ما که این‌طور بود. مثلا عیدی دادن و عیدی گرفتن یکی از بهترین اتفاق‌هایی بود که می‌افتاد و اصلا من آن موقع‌ها به عشق عیدی گرفتن می‌رفتم عید دیدنی. البته عیدی‌ها را هم می‌گرفتیم اما به دست خودمان نمی‌رسید. معمولا پدر و مادرها می‌گرفتند به اسم این که برایمان نگه دارند اما آنها هم عملا همان عیدی‌ها را پخش می‌کردند بین بچه‌های دیگر فامیل و احتمالا برای آن بچه‌ها هم همین اتفاق می‌افتاد و در نتیجه یک گردش مالی ایجاد می‌شد که برآیندش برای ما صفر بود!

یکی دیگر از رسم‌های نوروزی که در شهر ما مرسوم بود، این بود که عید دیدنی را از صبح خیلی زود شروع می‌کردند. از آنجا که پدر من بزرگ‌ترین عضو فامیل بود، خانه ما اولین خانه‌ای بود که اول صبح باید زنگش به صدا درمی‌آمد.

البته عمه‌ام از پدرم بزرگ‌تر بود اما چون خارج از ایران زندگی می‌کرد و مهمانی رفتن خانه‌اش نیاز به اخذ ویزا و بعضی کارهای اداری دیگر داشت، اعضای فامیل به جای قبول زحمات سفر خارجی توافق کرده بودند که پدر من را به عنوان عضو بزرگ‌تر به رسمیت شناخته و ۸ صبح، باور بفرمایید ۸ صبح، زنگ خانه‌مان را بزنند و من که تازه از تعطیلی مدارس و شوق تا لنگ ظهر خوابیدن سر کیف آمده بودم، من که حتی کنکورم را هم با نیم ساعت تأخیر رفتم سر جلسه را با صورت پف آلود از زیر پتو به عرصه مهمانی بیاورند. بعد که به عرصه مهمانی می‌آمدیم با مشکل بعدی رو به رو می‌شدیم و آن شناختن فامیل‌های دور بود. آن دسته از فامیل‌ها که اگر نسبت‌شان را بخواهیم بنویسیم یک پاراگراف می‌شود و اگر جایگاه‌شان را روی شجره نامه بخواهیم نشان دهیم باید برویم نوک یک شاخه خیلی دور که از قاب بیرون زده و یک جوانه سرش سبز شده را جست و جو کنیم. حالا شما فکر کنید هشت صبح یک روز تعطیل در عید نوروز با این فامیل خیلی دور مواجه می‌شوید و بعد از آن، مشکل سخت‌تر امتحان شفاهی بود که در حضور خانواده انجام می‌شد و یک سوال مهم داشت: ایشان را می‌شناسی؟ معلوم است که نمی‌شناسم! من بچه چرا باید کسی که یک سال پیش به قدر یک مهمانی دیده‌ام و توضیح نسبتش با ما یک پاراگراف می‌شود را بشناسم؟ اما معمولا در جواب این سوال و برای حفظ آبرو می‌گفتیم: بله! اما ای کاش ماجرا به همین جا ختم می‌شد و سوال بعدی از راه نمی‌رسید: اگه اسم‌شون رو گفتی! اینجا بود که یا باید وا می‌دادی و اعتراف می‌کردی که نمی‌شناسی. یا باید من و من می‌کردی و زمان می‌خریدی تا امدادی غیبی برسد، یا این که شانسی یک اسم را می‌گفتی و خدا را چه دیدی شاید هم درست از آب درمی‌آمد.

اما یکی از معضلات همیشگی من که شاید معضل خیلی‌های دیگر هم باشد این بود که با نزدیک شدن به عید همیشه مساله خانه تکانی در خانه پیش کشیده می‌شد. من طی سال‌ها تجربه برای فرار از گیر افتادن در این معضل به یک فرمول کارآمد و قطعی رسیده‌ام که می‌خواهم اینجا با شما مطرح کنم. توقع هم ندارم تشکر کنید، همین که دعایم کنید کافی است. فرمول این است: هر جا که شما ناچار به کمک در خانه تکانی شدید، کافی است بگردید و یک چیز گران‌بها پیدا کنید، چیزی که یا قیمتی است یا ارزش تاریخی دارد یا برای خانواده ارزش معنوی دارد... چه می‌دانم ظرفی، گلدانی، مجسمه‌ای، زهرماری، چیزی... بعد آن را بزنید همان اول کار بشکنید! این باعث می‌شود همان اول کار بگویند دست و پا چلفتی و بی عرضه و شما همان اول کار بازنشسته شوید و بروید دنبال کار و زندگی خودتان. خیلی هم نگران این غر زدن‌ها و ملامت‌ها نباشید. معمولا در آن هیاهوی خانه تکانی بیشتر از نیم‌ساعت طول نمی‌کشد و بعدش همه یادشان می‌رود. خلاصه برای فرار از معضل خانه تکانی فقط کافی است همان اول کار یک خرابکاری بزرگ کنید.

یک چیز دیگر را هم صادقانه و باز هم از سر سال‌ها تجربه بگویم. همه این حرف‌ها که می‌گویند نوروز است بیایید در این خانه تکانی دل‌هایمان را بتکانیم و از کینه و نفرت پاک کنیم... بیایید کدورت‌ها را کنار گذاشته و از حال یکدیگر خبر بگیریم... همه‌شان مزخرف است! نوروز فقط یک لحظه است که توپ شلیک می‌شود و بعدش همان آهنگی که احتمالا همین الان دارد توی سرتان پخش می‌شود، پخش می‌شود و بعدش دیگر هیچ فرقی با روزهای قبل و روزهای بعدش ندارد. اصلا همین که باورهای قدیمی می‌گویند لحظه تحویل سال تخم‌مرغ‌های سفره هفت سین می‌چرخند و ماهی‌ها می‌ایستند. من سی و چند سال در لحظه تحویل سال به تخم‌مرغ‌ها و ماهی‌ها خیره شدم و حالا با اطمینان به شما می‌گویم که این اتفاق نمی‌افتد. تصمیم آدم‌ها به عوض شدن و زدودن کینه‌ها و کنار گذاشتن کدورت‌ها و خانه تکانی دل و همه این حرف‌ها فقط برای لحظه سال تحویل است. مثل شاگرد تنبلی که اواخر شهریور تصمیم می‌گیرد امسال دیگر خوب درس بخواند و بعد می‌رود همه وسایل تحصیل را خیلی مرتب جور می‌کند و با اشتیاق اول مهر در مدرسه حاضر می‌شود اما سوم مهر همان شاگرد تنبل سال قبل است.

راستش را بخواهید بعضی از رسم‌ها که از قدیم درست شده بودند که بیایند و حال‌مان را خوب کنند، متاسفانه این روزها تبدیل شده‌اند به مایه عذاب بعضی خانواده‌ها. خانواده‌هایی که توان سفره‌آرایی ندارند. خرید لباس نو که از رسم‌های حال خوب کن قدیم بوده الان برای خیلی از خانواده‌ها تبدیل به دردسر شده است. ماجرا این است که قرار بود نوروز حال‌مان را خوب کند. اگر قرار باشد رسیدن نوروز یک غم به غم‌های پدری اضافه کند که از فکر لباس نو و خرید شب عید خوابش نمی‌برد، برای من دوزار نمی‌ارزد. ساده بگویم، اگر خانواده‌ای برای مهمانداری در نوروز به مضیقه و تنگنا بیفتد، تمام این هیاهوها برای رسیدن به لحظه سال تحویل «کشک» است.

از ۳ چهره هنری و علمی پرسیده‌ایم که با خانه‌تکانی چه می‌کنند؟

دیگران چه می‌گویند؟

باید در محضر خدا همیشه پاکیزه باشیم

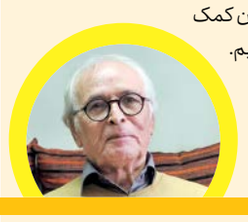
جهانگیر الماسی، بازیگر



خانه تکانی در فرهنگ ما مسلمانان و ایرانیان چند وجه دارد. پاکیزگی درون و بیرون و محیط؛ سال به سال جریان عمده‌اش را در نوروزها می‌بینیم ولی کاش دست کم هرماه این کار را انجام بدهیم. بر اساس باورها و رفتار فرهنگی اجتماعی‌مان، نظافت و پاکی از ایمان به خدا می‌آید. ما عالم را محضر خدا می‌دانیم و باور داریم هرلحظه با انوار عالیه الهی مواجه می‌شویم پس باید هرلحظه با پاکی درون آماده همنشینی با فرشتگان و فرستادگان خدا باشیم. پاکیزه کردنِ محیط در این مدت که با یورش کرونا آلوده شده، دیگر الزام جدی است و باید ضوابط اعلام شده از سوی مسؤولان امر را رعایت کنیم. باید ماسک زد، ضدعفونی کننده همراه داشت و با این سبک زندگی جدید خو گرفت.

ما که نه کینه‌ای داریم از کسی و نه دعوایی

دکتر ضیاء موحد، شاعر، پژوهشگر و استاد دانشگاه



درباره خونه تکونی امسال اگه بخوام براتون بگم باید بگم با توجه به فراگیری کرونا خونه تکونی مستلزم رفت و آمدها، حضور افراد در خونه برای کمک کردن به این امر، دادن پرده‌ها به خشکشویی و... است که ناگزیر حضور افراد و تماس‌شون رو زیاد می‌کنه و این تماس، هم برای خود آدم در این شرایط خطرناکه، هم برای اونهایی که میان کمک بکنن. بنابراین امسال وضعیت خونه تکونی در خونه ما این‌طوره که به حداقل اکتفا می‌کنیم. تمیزکاری مختصری و آمادگی خیلی کوچکی برای دیدار تعداد خیلی کمی از دوستان و فامیل. درباره خونه تکونی دل و جان هم که خوشبختانه ما نه با کسی دعوایی داریم نه مقایسه، پس همون‌جوری هستیم که همیشه بودیم.

من فقط خرده کاری‌هایش را می‌کنم!

قاسم افشار، خواننده

خونه تکونی سنت هرساله است اما امسال عید ما رو هواست. ای‌کاش همین که خونه تکونی می‌کنیم دل‌هامون رو هم تکونی بدیم و در این سال جدید یه خرده هم مهربون‌تر باشیم توی این اوضاع کرونایی و اتفاقاتش تنها چیزی که می‌تونه گرم‌مون کنه فکری‌کنم همین باید باشه. یه کمی به هم رحم کنیم، مهربونی کنیم نسبت به همدیگه. یه کمی گذشت کنیم خداوکیلی توی این دوره زمونه انگار رحم از میان رفته. از وقتی کرونا اومده انگار رحم و مروت کم شده. این که می‌گن کرونا باعث شده به فکر هم باشیم شعاره. وقتی می‌ری بیرون خرید بکنی متوجه میشی این حرفا شعاره. درباره خودم هم اگه بخوام بگم، توی خونه تا حدودی که از دستم بربیاد تو خونه‌تکونی کمک می‌کنم؛ البته خرده‌کاری‌هاش!

چند راهکار عملی برای فرار از بحران خانه تکانی را در نقشه زیر پیگیری کنید

چند خروجی برای پیچیدن

تا اینجای ویژه‌نامه برایتان همه جور نظر و دلیل و منطق آوردیم از خانه تکانی و مصائبش. حالا که همه روایت‌های خانه تکانی را خوانده‌اید و بازوهایتان از فکر بلند کردن مبل به درد افتاده‌اند، می‌خواهیم چند راهکار عملی پیش پایتان بگذاریم که با انجام آنها بتوانید امسال از زیر بار خانه تکانی شانه خالی کنید و تا سال بعد هم خدا بزرگ است.



به مأموریت بروید
ماموریت‌های کاری همیشه جواب می‌دهند. ماموریت چیزی است که هم کارفرمای شما را خوشحال و هم چیزی به حقوق‌تان اضافه می‌کند و از همه مهم‌تر می‌تواند کمک کند خانه تکانی را بپیچانید.

خانه را عوض کنید
اگر هیچ کدام از روش‌های معرفی شده اثر نکرد تنها راهی که برایتان باقی مانده این است که خانه‌تان را عوض کنید. یک کم خرجش زیاد است اما می‌ارزد که چند میلیارد خرج کنید و بروید خانه نو. عوضش خانه تکانی نکنید.

به سربازی بروید
اگر پسر هستید باید بگوییم سربازی شتری است که بالاخره باید سوارش شوید. چه بهتر دفترچه‌تان را وقتی بفرستید که اعزام‌تان بخورد به خانه‌تکانی و شما که دارید سختی سربازی را به جان می‌خرید از خانه‌تکانی فرار کنید.

اگر پسر هستید

شوهر کنید
اگر دختر هستید باید بگوییم بهترین موقعیت را دارید که از زیر بار خانه تکانی فرار کنید. فورا به اولین خواستگارتان بگویید بیاید و جواب مثبت بدهید و بعد هم کسی از تازه عروسی که هزار جور مشغله دارد توقع کمک ندارد.

اگر دختر هستید

یک قهر موقت
از این روش پیچاندن می‌توانید برای وقت‌هایی که نمی‌خواهید به همسرتان هدیه تولد بدهید هم استفاده کنید. به این شکل که شما سر موضوعی مدتی قهر می‌کنید و پس از رفع خطر به آغوش خانواده بازمی‌گردید.

دست و پا چلفتی باشید
همان‌طور که آقای نبویان عزیز اشاره کردند یکی از بهترین راه‌های پیچاندن خانه تکانی این است که همان اول کار بزنید چیزی را بشکنید یا خرابکاری بزرگی بکنید. آن وقت است که دیگر روی شما حساب کار کردن باز نمی‌کنند.

خودتان را به کرونا بزنید
یکی از بهترین دلایل موجه برای پیچاندن هر کاری کرونا است. حتی اگر می‌خواهید دو هفته به سر کار نروید خودتان را به کرونا بزنید. این روش موثق و راستی‌آزمایی شده در مورد خانه‌تکانی هم جواب می‌دهد.

بی‌اعتقادی به سنت‌ها
بی اعتقادی به هر چیزی معمولا جواب می‌دهد. همان اول کار بگویید: اصلا چه کاری است؟ کی گفته باید خانه تکانی کنیم؟ سعی کنید بحث را به سمت سوالات فلسفی بکشانید. چرا حالا؟ اصلا چرا من؟

اگر موفق شدید نوار زرد را دنبال کنید

اگر شکست خوردید نوار مزار را دنبال کنید

#خونه‌تکونی